



لافی‌جانی!

یکی در خواب حاصل کرد ملکی
برو بر حاصل و محصول می‌خند
سئوالی گفت کوری پیش کری
دلا بر سائل و مسئول می‌خند
چو نقدت دست داد از نقل بس کن
خمش بر ناقل و منقول می‌خند

زننده یاد جرج اورول در باب «اجماع» یا همان
«وحدت کلمه» سخنان حکیمانه‌ای دارند که در

این وبلاگ بارها آنرا نقل کرده‌ایم، ولی چنین سخنانی هر چه تکرار شود کم است؛ پس تکرار مکررات خواهیم کرد. جرج اورول می‌فرمایند، سگ‌های سیرک با شنیدن صدای شلاق مربی معلق زدن آغاز می‌کنند، ولی بهترین سگ‌ها برای معلق زدن در حضور ارباب نیازی به شنیدن صدای شلاق هم نخواهند داشت. ولی از آنجا که سخنان حکیمانه حضرت جرج اورول انسانی است، پس نه تنها جهان‌شمول نیست که شامل مرور زمان هم خواهد شد. به ویژه اگر در هزاره سوم باشیم، و در برابرمان اهالی مرزپرگهر صف کشیده باشند، آنهم پس از درگذشت آیت‌الله حسینعلی منتظری «مبارزا»

بله در چنین شرایط ویژه‌ای، سگ علی‌رغم شامه بسیار قوی، راه به صاحبش نخواهد برد و هر چه ارباب شلاق را در هوا تکان دهد بی‌فایده است پس برای ممانعت از فروپاشی این «نظام مقدس» که از زمان ابراهیم خلیل‌الله، ارتباط سگ را همزمان با صاحب‌اش و با گله ایشان تنظیم کرده، می‌باید چاره‌ای اندیشید. سگ به دلیل اینکه انسان نیست، رفتار غریزی دارد و نمی‌اندیشد. گله نیز به همچنین، پس می‌ماند صاحب سگ! ایشان باید فلک را سقف بشکافند و طرحی نو در اندازند، در غیراینصورت هم سگ را از دست می‌دهند، و هم گوسفندان را.

آری، درگذشت حسینعلی منتظری دست حکومت اسلامی و اربابان‌اش را چنان در پوست گردو گذاشت که همگی در یک صف قرار گرفته، برای قهرمان‌سازی، قلم حماقت از نیام بلاهت بیرون کشیده، بی‌بی‌گوز ک‌بافی آغاز کردند. در واقع تا پیش از درگذشت حضرت آیت‌الله همه چیز بخوبی پیش می‌رفت، با شایعه پراکنی، یک جنجال به راه می‌انداختند و بلافاصله یک قهرمان از خم رنگرزی بیرون کشیده، به سربازگیری مشغول می‌شدند. به عنوان نمونه «شایعه تقلب» در شبه‌انتخابات جمکران، یک جنایتکار خودفروخته به نام میرحسین موسوی را به «رهبر جنبشی» خیالی تبدیل کرد و آنزمان که کار

کودتا به بن‌بست رسید، و رهبر جمکران ناچار شدند همه را به رعایت قانون دعوت فرمایند، رهبر جنبش کذا نیز همه را به پیروی از خط مزدوری امام‌شان فرا خواندند. پس آنگاه رسیدیم به جنجال جهانی پیرامون قتل رسانه‌ای «ندا» و انتشار سخنان نامزد فرضی وی در بنگاه خبرپراکنی «بی‌بی‌سی» و آغاز امام‌زاده‌سازی توسط رسانه‌های بریتانیا. در این‌مورد خاص مفصلاً توضیح داده‌ایم، پس ماجرای مبهم «ندا» را رها می‌کنیم. اما برای پیگیری مسیر قهرمان‌سازی چرا راه دور برویم؟ در تاریخ ۱۶ آذرماه سالجاری، حنازرجوبه، خبرگزاری رسمی حکومت جمکران با انتشار تصاویر «میم‌ته» هدف مشابهی را دنبال می‌کرد: تبدیل یکی از اهرم‌های سرکوب حکومت، یا همان تشکل‌های دولتی دانشگاه، به قهرمان جنبش دانشجویی از طریق تخریب انسان.

بیا ای زیرک و بر گول می‌خند
[...]

چو مرده، مرده‌ای را کرد معزول
تو خوش بر عازل و معزول می‌خند

به محض انتشار تصاویر کذا، برنامه «معلق زدن» سگ‌های دست‌آموز در داخل و خارج از مرزها آغاز شد. همچنانکه گفتیم هدف پروپاگاند تحریک احساسات جهت به چالش کشیدن منطق انسانی است، در نتیجه همه صاحب‌نظران فرهیخته چاه جمکران بحث‌های عمیق و «جامعه‌شناسانه» پیرامون چادر و مقنعه را



آغاز کردند! حال آنکه اصل مطلب هیچ ارتباطی با انتشار تصاویر یک مرد در لباس زنانه نداشت، اصل این بود که «دلیل» دستگیری «میم‌ته» در ابهام قرار گرفته بود. به عبارت دیگر می‌بایست از «اتهام» یا «جرم» میم‌ته آگاه می‌شدیم که نشدیم، چرا که به دلیل اعمال «انزوای رسانه‌ای» تمام رخدادهای ۱۶ آذرماه سالجاری در ابهام فرو افتاد! و همه رسانه‌ها به نقل از «شاهدان عینی» دست به «خبرسازی» زدند. روشن‌تر بگوئیم، با همکاری دولت مهرورزی، «شایعه‌پراکنی» رسماً از طرف خبرگزاری‌های «معتبر» غربی جای خبررسانی را گرفت.

جالب اینجاست که هیچیک از «شاهدان عینی» به متن سخنرانی «میم‌ته» اشاره نمی‌کند و نیروهای انتظامی جمکران نیز در اینمورد سکوت کامل اختیار کرده‌اند. می‌بینیم که آشوب‌طلبان و نیروهای انتظامی جمکران چگونه در هم‌سوئی کامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و عجیب است که «شاهدان عینی» حاضر در جلسه سخنرانی «میم‌ته» نیز در اینمورد هیچ نگفته‌اند! در عوض بازار اظهارنظرهای عمیق و ابلهانه بسیار داغ و گرم شده. به عنوان نمونه یکی از زینب‌های جمکران که از قضای روزگار فرزند خلخال جنایتکار نیز از آب در آمده می‌گوید، «مشکلات زنان باید به دست زنان حل شود و مردان حق ندارند برای حل این مشکلات اقدام کنند!» و این اظهارات بلاهت‌گستر در سایت آخوندپرو «زمانه» منعکس شده. حال که صحبت از خلخال به میان آمد، بهتر است بازگردیم به مواضع آیت‌الله منتظری و نهضت «عاطادی» در مورد جنایات فجیع خلخالی، به ویژه در کردستان.

همچنانکه پیشتر هم اشاره کردیم، به محض استقرار حکومت اسلامی سرکوب همه جانبه با تهاجم به زنان آغاز شد. شمه‌ای از سرکوب‌ها را در تهران تشریح کرده‌ایم، پس امروز نگاهی داشته باشیم به جنایات حکومت اسلامی در کردستان. در «بهار آزادی»، همزمان با اجرای نمایش مهوع تلویزیونی «بحث آزاد» پیرامون کردستان که جناب دکتر «محمد مکر» پای ثابت آن بود، ارتش «آریامهری - اسلامی» سرکوب کردها را آغاز کرد. بهانه نیز همان بهانه ابله‌پسند همیشگی بود، شایع کردند که کردها تجزیه طلب‌اند! پس لازم آمد که ارتش قهرمان و آمریکائی تجزیه‌طلبان را قلع و قمع کند. و از آنجا که حکومت در دست آخوند جماعت بود، آخوند خلخال هم برای اجرای عدالت به سوی کردها شتافت تا چمران و صیاد شیرازی دست تنها نمانند.

مباران کردها با «بمب ناپالم» و بمب‌های خوشه‌ای یکی از اقدامات «مردمی» حکومت بود که مورد تأیید دولت خیابانی شیخ مهدی بازرگان نیز قرار گرفت، و آیت‌الله طالقانی و همچنین آخوند منتظری در مورد این جنایات سکوت کامل اختیار فرمودند. اما خارج از کشتار جمعی کردها توسط حکومت اسلامی، اعدام یک پزشک به جرم معالجه مجروحین و مصدومین را نیز می‌باید از جنایات قهرمانه دولت محبوب و مردمی بازرگان به شمار آوریم. در تابستان ۱۳۵۸، دکتر «رشوند سرداری» را به «جرم» پایبندی به سوگندنامه بقراط تیرباران کردند. سوگندنامه‌ای



که پزشک را موظف می‌کند بدون در نظر گرفتن جبههٔ دوست و دشمن به مداوای مصدومین اقدام کند چرا که هدف «نجات جان انسان» است نه مداوای دوستان و «برادران».

در تاریخ ۳۰ مردادماه ۱۳۵۸، دکتر ابوالقاسم رشوند سرداری، به جرم مداوای تمام زخمی‌های جنگ کردستان در بیمارستان شهر پاهو دستگیر و در پشت دیوار محل کارش تیرباران می‌شود. رشوند سرداری فقط ۲۷ سال داشت. این جنایت سبعانه، قطره‌ای است از دریای توحش حکومت اسلامی در ایران. حال باید ببینیم مسئولان «شریف» بی‌بی‌سی به چه دلیل روضه نامهٔ شیخ مسعود را تحت عنوان، «آنها دو تن بودند» منعکس می‌کنند؟ نکند فکر می‌کنید، ملت ایران به فراموشی دچار شده؟ نه هیچکس فراموشی نگرفته! آنکه گرفتار آرایمر سیاسی است، بدون تردید کارفرمایان آدمخوار بوق حاکمیت بریتانیا باید باشند که همچنان در دوران شیرین جنگ سرد یخ زده و خواهان «هدایت» حکومت اسلامی به مسیر جادویی «یکجانبه‌گرایی» در زمینهٔ هسته‌ای‌اند.

کار ندارم جز این، کارگه و کارم اوست
لاف زنم، لاف لاف چونکه خریدارم اوست

به گزارش ایسنا، مورخ ۳۰ آذرماه سالجاری، پاسدار علی «ال لاریجانی»، غلامبچهٔ سفارت که برای رفع و رجوع امور ارباب در مصر به سر می‌برد، زمزمهٔ خروج از «ان. پی. تی» سر داده. علی کوچیکه می‌گوید اگر همه خلع سلاح هسته‌ای نشوند، چه دلیلی دارد که ما به تعهدات خود در «ان. پی. تی» عمل کنیم؟! بله می‌بینیم که «مرد قدرتمند» جمکران، که در واقع نوکر نشان‌دار انگلستان است، در بحران دست‌ساز هسته‌ای

درست در همان مسیر «استقلال» و «قانون‌شکنی» محمد مصدق گام برمی‌دارد: سرپیچی از مقررات بین‌المللی، یکجانبه‌گرایی و عربده‌جوئی با شعار منافع ملی. لاریجانی می‌گوید، از آنجا که اسرائیل تعهدی به «ان. پی. تی» ندارد و آمریکا و دیگر کشورها هم سلاح هسته‌ای دارند، عمر «ان. پی. تی» به پایان رسیده! البته این پاسدار مفلوک فراموش کرده که اسرائیل هرگز قرارداد منع گسترش سلاح‌های اتمی را امضا نکرده، ولی دولت ایران متعهد شده مفاد پیمان مذکور را اجرا کند. در نتیجه رئیس مجلس چاه جمکران برای توجیه منافع اربابان‌اش در لندن نمی‌تواند ایران را با اسرائیل، هند و دیگر کشورهایی که «ان. پی. تی» را امضاء نکرده‌اند مقایسه کند. همچنین حکومت گورکن‌ها نمی‌تواند خود را در جایگاه اعضای دائم شورای امنیت قرار دهد.

لازم است غلامبچهٔ سفارت در جایگاه واقعی خود، یعنی رئیس فرمایشی، یک مجلس فرمایشی و دست‌ساز در یک حکومت پوشالی و دست‌نشاندهٔ آمریکا قرار گیرند، تا دریابند کسی که در چنین جایگاه پرافتخاری نشسته نمی‌تواند از این گنده‌گوئی‌ها بکند. در ضمن اگر ایشان قصد القاء این مطلب را دارند که اسرائیل، حزب کارگر انگستان و حزب دمکرات آمریکا با تجهیز حکومت اسلامی به سلاح اتمی مخالف‌اند، مسلماً مخاطبان خود را ابله پنداشته‌اند. پس حضورشان بگوئیم کارفرمایان‌ها آرتز، گاردین و نیویورک‌تایمز از مدافعان پروپاقرص اتمی شدن چاه جمکران به شمار می‌روند، و بارها و بارها «ایران



اتمی» را در گزارشات و مقالات «تحقیقی» خود ستایش کرده‌اند. خلاصه، «زاغ اگر عاشق سرگین آمد، گو باش!» اما اشکال این عشق و عاشقی اربابان‌تان این است که مخالف واقعی تجهیز حکومت طالبان جمکران به سلاح اتمی کرم‌لین است، نه کاخ سفید!

باری، سایت نووستی، مورخ اول دی‌ماه سالجاری، به نقل از ایسنا سخنان پاسدار لاریجانی را منعکس کرده. ایشان فرموده‌اند، آمریکا و کشورهای که سلاح هسته‌ای دارند «بازی» را بر هم زدند! به عبارت دیگر «ما» هم دیگر بازی نکرده، از «ان. پی. تی» خارج می‌شویم! پاسدار لاریجانی همچنین گفته‌اند، اسرائیل یک رژیم «غلط» است چون در منطقه ایجاد دردسر می‌کند. بله، می‌بینیم حال که پای منافع انگلستان به میان آمده حکومت «مستقل» اسلامی، که اجرای تعهدات بین‌المللی را «بازی» به شمار می‌آورد، «درست» است و هیچ دردسری هم در منطقه ایجاد نکرده. خلاصه بگوئیم، این حکومت هرگز از طالبان و القاعده حمایت نکرده، با اشغالگران عراق هم هیچ همکاری نداشته و ... و از همه مهم‌تر حکومت کذا کشور ایران را به باغ وحش ناتو تبدیل نکرده:

«[...] کسانی که بازی را بهم زدند آمریکا و کشورهای بودند که سلاح هسته‌ای دارند[...]. [...] با این رفتارهایی که آژانس [...] در مورد پرونده هسته‌ای ایران از خود نشان داد، آخرین میخ‌ها را به تابوت ان. پی. تی زد[...]. ما برای این جیغ‌هایی که رژیم صهیونیستی می‌کشد اهمیتی قایل نیستیم، چون بیشتر از روی ترس است [این رژیم] در منطقه دایما دردسر ایجاد می‌کند و یک رژیم غلط است.»

روباه لنگ گفت که بر شیر عاشقم
گفتم که این به دمدمه و های و هوی نیست

بله سخنان لاریجانی در مورد آمریکا، اسرائیل و مسئله هسته‌ای آمیزه‌ای است از نطق‌های آتشین مصدق و زوزه‌های دل‌نشین خمینی که با زدن نعل وارونه و شاخ‌وشانه کشیدن ظاهری، در واقع برای تأمین منافع غرب در برابر ملت ایران ایراد می‌شد، و جز حمایت از منافع ارباب هدفی را دنبال نمی‌کرد. اما «ارباب» امروز دیگر آن ارباب قدرتمند گذشته نیست! در نتیجه نمی‌تواند برای چپاول ملت ایران با ایجاد جنجال و هیاهو «قهرمان‌سازی» کند و قهرمان دست‌ساز را به یک‌جانبه‌گرایی و مرزشکنی در عرصه بین‌المللی تشویق نماید. به همین دلیل شاهدیم که «قهرمانک‌های» متعددی نظیر موسوی، لاریجانی، و ... از خم رنگرزی ارباب بیرون کشیده می‌شوند، تا مطالبات ارباب «مقدس» را پیوسته در حاشیه تحولات اجتماعی زیر لب برای ما ملت «زمزمه» کنند. که از دوران موسی کلیم‌الله گفته‌اند، «رهرو آن است، که آهسته و پیوسته رود.» از اینروست که علی‌کوچیکه، قهرمان کارخانه رجاله‌پروری سخنرانی «میهنی» خود را در مصر ایراد می‌کند. پاسدار لاریجانی هم پیوسته و آهسته مطالبات ارباب را تکرار می‌کند، فقط نمی‌داند که حضرت موسی نه تنها لکنت زبان نداشته که هرگز پای به «سرزمین موعود» نگذاشت! پیشتر گفتیم که لاریجانی از نخستین افرادی بود که به پیروی از طاعون سبز، برای حفظ منافع بریتانیا، تعهدات ایران در برابر



آژانس را «فریب» خواند، و خلاصه به دلیل خط سیاسی‌ای که لاریجانی با کمک هیزاکسلنسی به مسیر تحولات تزریق کرد، حکومت «مستقل» ضمن تأمین دو ماه فرصت بیشتر برای اربابان در لندن و واشنگتن، توانست ارائه پاسخ به پیشنهاد آژانس را به ۳۱ دسامبر سالجاری موکول کند.

ای مرده‌ای که در تو ز جان هیچ بوی نیست
رو، رو که عشق زنده دلان مرده‌شوی نیست

همزمان با شعارهای پاسدار لاریجانی در مصر، رهبر حکومت اسلامی نیز خواهان ایجاد «اتاق فکر» برای کشف ظرفیت‌های ناپیدای حج شده‌اند! می‌بینیم که از هر چه بگذری «سخن دوست خوش‌ترست!» سخنان مهم ایشان با کد: ۸۸۰۹ - ۹۰۹۴ در ایسنا، مورخ ۳۰ آذرماه ۱۳۸۸ منتشر شده. و خلاصه در این گیرودار آقای امیر انتظام، نخستین «تابوی» دست‌ساز غرب در حکومت اسلامی بر سایت‌های فارسی زبان دوباره ظهور فرموده‌اند. بله، فراموش نکرده‌ایم که حکومت جمکران برنامه «تابوسازی» را با امیرانتظام آغاز کرد، سپس نهضت عاشادی نیز در این جایگاه رفیع قرار گرفت، و بعد نوبت به فقیه عالیقدر، حضرت منتظری رسید و از ۲۳ خردادماه سالجاری همه اینان به اضافه میرحسین موسوی جلاد و کروب‌ی شیا د نیز به گوشواره «تابو» تبدیل شده‌اند! چرا که کفگیر ارباب دیگر واقعا به ته دیگ خورده. و اینجاست که پیامدهای مرگ حسینعلی منتظری، یعنی واقعیت در زمان و مکان مشخص سخنان جرج اورول در باب اجماع و معلق زدن سگ‌های دست‌آموز را به چالش می‌کشد.

گیرم که سوز و آتش عشاق نیستات
شرمت کجا شده است، ترا هیچ روی نیست
با خر میا به میدان زیرا که خر سوار
از فارسان حمله و چوگان و گوی نیست

پس از درگذشت فقیه عالیقدر، از داریوش همایون ساواکی تا حزب حقیقت‌فروش «توده»، و از نو قلم‌های ینگه‌دنیانشین تا جوجه‌های مسجد لندن، همگی هم‌زمان با «بی‌بی‌سی» و رادیو فردا معلق زدن برای ارباب در ینگه دنیا را آغاز کرده، دست در دست پاسداران بی‌مقدار و حاج فرخ نگهدارها، مثل ابر بهاری بر مرگ این مبارز نستوه گریستند! به اراده الهی اشک‌های‌شان برف شده، فرودگاه‌ها بسته شد، ترن‌ها از حرکت باز ایستاد، و ... و ساواک جمکران هم یک انزوای رسانه‌ای بر شهر قم تحمیل کرد تا رسانه‌های ارباب بدون هیچ مسئولیتی «اخبار موثق» تظاهرات میلیونی، و درگیری و دستگیری و اعدام صدها تظاهر کننده را از زبان «شاهدان عینی» به گوش اهالی مرزپر گهر برسانند و همچون سی سال پیش در ماه مبارک «محرم» کاری حسینی کنند! که ناگهان انتشار «خبر» ده‌ها هزار، بلکه صدها هزار تظاهر کننده در فرانس پرس و بی‌بی‌سی کاسه کوزه‌ها را در هم ریخت، و خلاصه آن ۲۴ میلیون نفر که به میرحسین رأی داده بودند به قول مش قاسم، پنداری دود شدند و رفتند به هوا! اینجا بود که ارباب متوجه شد معلق زدن سگ‌های دست‌آموز دیگر کارساز نیست پس با صدور بیانیه‌ای فقیه عالیقدر را «مدافع حقوق بشر» معرفی کرد، و پا به پای سگ‌های گریان، خود نیز به معلق زدن پرداخت.

سگ ار چه بی‌فغان و شر نباشد
سگ ما چون سگ دیگر نباشد

